

این طرح که اولویت خود را به جرایم مرتبط با موادمخدر اختصاص داده است، در صورت اجرا شدن می‌تواند مساعدت بسیار مهمی برای زنان زندانی باشد. طبق آخرین آمار منتشرشده حدود ۴ درصد زندانیان کل کشور را زنان تشکیل می‌دهند

مجازات جایگزین حبس برای زنان زندانی



چندی پیش طرحی تحت عنوان مجازات جایگزین حبس برای زنان زندانی از طرف دولت مطرح و توسط قوه قضائیه پذیرفته شد. این طرح که اولویت خود را به جرایم مرتبط با موادمخدر اختصاص داده است، در صورت اجرا شدن می‌تواند مساعدت بسیار مهمی برای زنان زندانی باشد. طبق آخرین آمار منتشرشده حدود ۴ درصد زندانیان کل کشور را زنان تشکیل می‌دهند که شاید مجازات حبس با توجه به شرایط موجود در زندان‌ها نه تنها آنها را تنبیه نکند، بلکه دوری از خانواده و پیامدهای سنگین زندان برای زنان امکان بازگشت آنها به جامعه را فراهم نکند.

، این درحالی است که طبق گزارش تسنیم در تیرماه امسال، حدود ۴۰۰ تا ۴۳۰ کودک زیر هفت سال در زندان‌های زنان به همراه مادران‌شان به دلیل نداشتن سرپرست دیگری زندانی هستند. هرچند در زندان‌ها امکان نگهداری از کودکان فراهم شده است، اما باید گفت مجازات حبس برای زنانی که مادر یا سرپرست خانوار هستند، آثار مخربی برای خود و خانواده‌شان به همراه خواهد داشت. به غیر از این موارد خاص به دلیل نگاه جامعه بر زنان سابقه‌دار، با پایان یافتن دوران محکومیت و آزاد شدن از زندان، اغلب این زنان از خانواده و جامعه طرد می‌شوند که این طرد شدن در برخی موارد می‌تواند به زندگی افراد پایان دهد. با این وجود می‌توان گفت مجازات جایگزین برای این‌گونه مجرمان شاید بتواند بهترین راه برای متنبه کردن آنها بدون این‌که خدشه‌ای به زندگی‌شان وارد کند، باشد.

ضرورت جایگزین‌های حبس برای زنان

ندا خسروی‌پور، کارشناس ارشد حقوق خصوصی با اشاره به این‌که زنان جامعه فعلی ایران، بخش قابل‌توجهی از جمعیت کیفری زندان‌ها را به خود اختصاص داده‌اند، گفت: نرخ بزهکاری زنان در حوزه جرایم موادمخدر و برخی جرایم دیگر بسیار بالا و نگران‌کننده است. آنها که در بیشتر موارد، قربانی نگاه مردسالارانه و سوءاستفاده نزدیکان خود هستند، در شرایطی روانه محابس می‌شوند که کارنامه استعمال فزاینده این مجازات رایج طی سالیان اخیر، نتایج مثبت و امیدوارکننده‌ای را نشان نمی‌دهد. شاید باورش چندان سخت نباشد اگر ادعا شود ورود یک زن به محیط ناسالم و ناخوشایند زندان، حکم مرگ مدنی او را به همراه دارد.

وی در ادامه افزود: چنانچه مردان محبوس پس از گذران دوران حبس خود، کورسوی امید برای بازگشت به دامن خانواده‌های پریشان‌حال خود داشته باشند، اما این آرزو و چشمداشت در مورد زندانیان زن، بسیار کم‌رنگ و ناامیدکننده خواهد بود، زیرا دیگر نه بافت فرهنگی و مذهبی جامعه، ظرفیت پذیرا بودن آنها را دارد و نه اطرافیان و اقارب، حاضر به تحمل چنین فردی در محافل خویشاوندی هستند. اگر ادعا شود برچسب مجرمانه به مردان بزهکار، زمینه بدنامی و انحراف طولانی مدت آنها را فراهم خواهد کرد، شکی نیست که اثرات مخرب و زیانبار چنین انگ‌بر پیشانی مجرمان زن، به طرد ابدی و مرگ اجتماعی آنها خواهد انجامید.

زنان بخشی از واقعیت بزهکاری جامعه هستند

وی در ادامه با تأکید بر این‌که نمی‌توان حجم بزهکاری زنان را نادیده گرفت، خاطر نشان کرد: ما چه باور کنیم و چه باور نکنیم، زنان بخشی از واقعیت بزهکاری جامعه فعلی ما را دربرمی‌گیرند. این امر نشان می‌دهد سیاست‌های اقتصادی، فرهنگی، رفاهی و آموزشی دولتمردان در حوزه پیشگیری اجتماعی و زدایش ریشه‌های فقر، نابرابری و برطرف‌سازی تبعیض‌های جنسیتی و

اعتلاي سطح معيشت خانواده‌ها، کماکان ناکام و نافرجام مانده است. در این شرایط نابسامان، شکست برنامه‌های جامعه‌مدار و رفاه‌محور که هدف اصلي آن تأمین امنیت اجتماعي و شغلي شهروندان است، امری قطعي و تردیدناپذیر است. در نتیجه زنان نیز دوشادوش مردان، قدم در ورطه بزهکاری می‌نهند و بسته به شرایط روجي، جسمي و محیط اجتماعي که در آن پرورش یافته‌اند، سیاق مجرمیت و طریق تبهکاری را در پیش می‌گیرند.

خسروی‌پور با تأکید بر این‌که سیاستگذاری‌ها تا به حال قادر به کنترل بزهکاری زنان نبوده، افزود: با این وجود، واکنش رسمي و قضائي در قبال جرایم زنان اجتناب‌ناپذیر است. اما سوال کلیدی و اساسي این است که آیا به‌راستي زنان مستحق مجازات هستند؟! بر فرض استحقاق، چه تضمینی بر کارآيي و اثربخشي اعمال مجازات‌هایی مانند زندان نسبت به آنها وجود دارد؟! آیا زندان نسخه شفابخش و درمان‌کننده‌اي برای تمامی دردها و کاستي‌هاي شخصيتي يك بانوي بزهکار خواهد بود؟! چه ضمانتي برای جلوگیری از تکرار جرم آنها به مجرد ترخیص از زندان وجود دارد!؟

این کارشناس حقوق در ادامه گفت: سخن گزافي نخواهد بود اگر ادعا شود مجازات زندان نتوانسته رسالت اصلاحي و پیشگیرانه خود را به نحو مطلوبی نمایان کند. از این‌رو، تفکر جدیدی طی سالیان اخیر در نظام‌های عدالت کیفری شکل گرفته است. این تفکر همان سیاست کاربرد حداقلی مجازات حبس است که از آن به‌عنوان سیاست حبس‌زدایی و کاهش جمعیت کیفری یاد می‌شود.

مجازات جایگزین و بزهکاری زنان

وی با بیان این‌که پرچمدار این نگرش تازه، شکل جدیدی از واکنش‌های موسوم به «جایگزین‌های زندان» یا «مجازات‌های اجتماعي» است، گفت: اصولاً جایگزین‌های حبس، واکنش‌هایی اجتماعي، ترميمي و اصلاحي هستند که صبغه کیفری و تنبیهی کمی دارند و به منظور اجتناب از آثار مخرب و زیانبار زندان، توسط مراجع قضائي اعمال می‌شوند. در رویکرد جدید قانون‌گذاری ایران، مجازات‌های جایگزین نقش و جایگاه ویژه‌ای یافته‌اند.

خسروی‌پور در ادامه به بیان سیاست کلی نظام عدالت کیفری پرداخت و گفت: اعمال این مجازات‌ها در برخی جرایم عمدی و غیرعمدی، وصفی الزامي و اختیاري یافته و سیاست کلی نظام عدالت کیفری آن است که تا حد امکان از تعیین مجازات‌های حبس کوتاه‌مدت در جرایم کوچک و کم‌اهمیت اجتناب شود. حال که چنین ظرفیت قانونی در اختیار محاکم قضائي قرار گرفته، انتظار آن است از ظرفیت‌های موجود به‌ویژه در حوزه بزهکاری زنان نهایت استفاده مطلوب صورت پذیرد. به‌نظر می‌رسد شرایط خاص بزهکاری این قشر از جامعه، ایجاب می‌کند که دادگاه‌ها در راستای اصل فردی‌کردن مجازات‌ها و انطباق حداکثري واکنش‌ها با شخصیت مجرمان، از استعمال جایگزین‌ها دریغ نکنند. فراموش نکنیم که زنان بزهکار امروز، قربانیان و بزه‌دیدگان دیروزند. آنها شایسته حمایت و اصلاح هستند و زندان این فرصت را برای همیشه از آنها خواهد گرفت.

حبس کمکی به اصلاح مجرمان نمی‌کند

علیرضا آذربایجانی، حقوقدان و عضو هیات مدیره کانون وکلای مرکز نیز در گفت‌وگو با «شهروند» به بیان دلایل در نظرگرفتن مجازات جایگزین برای حبس پرداخت و گفت: این‌که نظام قضائي ما به دنبال مجازات جایگزین حبس رفته، به دلیل چند مسأله است. نخستین مسأله بحث کمبود زندان‌ها و مسائل مالی و اصولاً اداره زندان و حبسی است که محکومان برای نظام حکومتی دارد. واقعیت این است که در حال حاضر فضای فیزیکی و تعداد سلول زندان‌های ما در حدی نیست که تکاپوی مجموعه محکومان‌مان را داشته باشد و حتی اداره همین میزان زندان هم هزینه هنگفتی را برای قوه قضائیه و نظام حکومتی رقم زده است.

وی در ادامه افزود: یکی از فلسفه‌های اعمال مجازات در واقع تنبیه مجرم و اصلاح او است. جو حاکم بر زندان‌های بسیاری از کشورهای دنیا از جمله کشور ما جوی نیست که منجر به اصلاح مجرم یا محکوم شود و این موضوع هم به دلیل نوع آدم‌ها و آموزش‌هایی است که زندانیان به هم می‌دهند. فرهنگی که در زندان حاکم است، حتی منجر به گستاخ‌ترشدن زندانیانی می‌شود که دوران محکومیت‌شان به پایان رسیده است. حال زمانی که محکومان ما زن باشند براساس جنسیت‌شان این مسأله ثانوی در باب وضع خاص زندان‌ها برای آنها مضاعف می‌شود. زمانی که محیط مناسب نباشد، به همان نسبت می‌تواند برای زن‌ها تشدید و نامناسب‌تر شود.

آذربایجانی با اشاره به این‌که بسیاری از زنان مجرم سرپرستی فرزندان‌شان را به عهده دارند و حبس آنها تأثیر مستقیمی روی فرزندان‌شان خواهد داشت، گفت: ما با مجازات زن مجرم به نوعی فرزندش را هم مجازات می‌کنیم. در نتیجه با وجود تمام مشکلاتی که با زندانی شدن زنان به وجود می‌آید اگر بتوان مجازات جایگزین برای آنها در نظر گرفت، بسیار خوب است. البته باید توجه داشته باشیم که مجازات جایگزین نسبت به مجازات سنتی بحثی است که به علم روز حقوق جزا مربوط می‌شود.

لزوم تبدیل مجازات جایگزین حبس به یک قانون

این حقوقدان با تأکید بر این‌که طرح مجازات جایگزین باید به‌صورت یک قانون تصویب شود، ادامه داد: زمانی که طرح‌ها اختیاری باشد ممکن است قضات کمتر به آن سمت روند، ولی اگر طرح به یک قانون تبدیل شود، مصادیق آن قطعاً از لحاظ کمی بیشتر خواهد شد. اما این‌که مجازات جایگزین تا چه اندازه می‌تواند اثربخش باشد به عوامل متعددی از جمله این‌که مجازات جایگزین چه باشد و چگونه اجرا شود، چه ضمانت اجرایی داشته باشد و چگونه کنترل شود، بستگی دارد که می‌تواند به موفقیت و عدم موفقیت آن طرح مربوط شود.

مجازات جایگزین باید برای جرایم متوسط اجرا شود

وی در پاسخ به این سوال که آیا مجازات جایگزین می‌تواند زمینه را برای تکرار جرم فراهم کند، افزود: در بعضی مواقع به‌طور

قطع این اتفاق رخ خواهد داد. زمانی که ما بحث حذف مجازاتی مانند اعدام را هم مطرح می‌کنیم، عمده دلیل مخالفت‌ها با حذف این است که اگر مجازات از بین برود منجر به جریح شدن مجرمانی می‌شود که در ارتکاب این جرایم قدم برمی‌دارند. ولی اگر به‌طور کلان به این مسائل نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که آثار مثبت آن از آثار منفی آن بیشتر است و شاید این طرح در صورت اجرا بتواند به مهم‌ترین اهداف نظام قضائی که اصلاح مجرم است، دست یابد.

این وکیل دادگستری در پاسخ به این سوال که چه نوع جرایم و مجرمانی باید در این طرح قرار گیرند، گفت: اگر جرایم را به دو بخش سنگین و متوسط تقسیم کنیم، مجازات جایگزین باید برای جرایم متوسط اجرا شود و یقیناً مطابق با این طرح، تفکیکی در نظام تعیین محکومیت از جمله سابقه محکومیت، اصرار به جرم توسط مجرم، سن و سال، شخصیت و مجموعه این عوامل در نظر گرفته شده است. بنابراین مجازات جایگزین باید برای مجرمی که به شکل موردی مرتکب جرم شده‌باشد، نه مجرمی که حرفه‌ای است.

مجازات جایگزین راهی برای احقاق حقوق زنان

بهشید ارفع‌نیا، استاد دانشگاه و حقوقدان نیز با بیان این موضوع که مجازات جایگزین می‌تواند حقوق از دست رفته زنان در را جامعه جبران کند، گفت: همان‌طور که می‌دانیم در کشور ما بسیاری از مقررات، زنان را از داشتن حقوق‌شان محروم کرده است، حال با توجه به این محرومیت شاید با در نظر گرفتن مجازات جایگزین برای زنان بشود بخشی از این محرومیت را جبران کرد و جلوی مشکلاتی را که به دلیل محبوس کردن آنها برای فرزندان و خانواده‌هاشان رخ می‌دهد، گرفت.

وی در ادامه افزود: اما در عین حال نباید این موضوع را فراموش کرد که این طرح نباید برای جرم‌هایی که از منظر جنایی مهم هستند، در نظر گرفته شود و بیشتر باید بر جرم‌های کوچک و سبک‌تر که به نوعی خلاف به حساب می‌آیند، اعمال شود.

منبع/ بهار